

مبحث سیزدهم: احکام و قواعد کلی در ارث

۱. امری بودن قواعد ارث: انسان در زمان حیات خویش، حق هرگونه تصرف در مایملک خود را دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است. ولی، هرگاه انسانی بمیرد و دارایی خود را بر جای بگذارد، قانون، نحوه ی انتقال اموال او را تعیین می کند. تصمیم برخلاف قواعدی که قانونگذار در این باره، مقرر کرده است، اعتباری ندارد بلکه، هر کسی فقط حق دارد که در قالب وصیت اقدام کند. البته وصیت نیز دارای دو محدودیت به شرح زیر می باشد:

- اولاً، اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه ی خود را، از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست. (ماده ی ۸۳۷ ق.م.ا. ... لازم به ذکر است که به نظر اینجانب، قانونگذار به جای عبارت "نافذ نیست" بهتر بود از عبارت "باطل است"، استفاده می کرد.
- ثانیاً، وصیت به زیاده بر ثلث ترکه، نافذ نیست مگر با اجازه ی وراثت. (ماده ۸۴۳ ق.م.ا.)

۲. ارث بردن زن و شوهر با تمام وارثان نسبی: گرچه زن و شوهر از وارثان سببی متوفی محسوب می شوند ولی با تمام طبقات نسبی، ارث می برند. بنابراین، هرگاه زن یا شوهر متوفی در کنار وارثان نسبی او باشد، مطابق مقررات، هم وارثان نسبی ارث می برند و هم زن یا شوهر متوفی.

۳. تقدم وارثان نزدیکتر بر وارثان دورتر: قانونگذار وارثان نسبی متوفی را در سه طبقه، قرار داده است. این طبقه بندی، تقدم برخی از وارثان را بر برخی دیگر نشان

می دهد. زیرا :

➤ اولاً ، وارثین طبقه ی بعد ، وقتی ارث می برند که از وارثین طبقه ی قبل ، کسی نباشد.

➤ ثانیاً ، در بین وارثان هر طبقه ، وارثان نزدیک تر به متوفی بر وارثان دور ، تقدم دارند.

نکته : این قاعده دارای استثناء بوده ، که بعداً مفصلاً بسط داده خواهد شد.

۴. تقدم وارثان ابوینی بر ابی : با توجه به اینکه ، انواع اخوه می تواند ابوینی ، ابی یا امی باشد. حال :

➤ در صورت اجتماع اخوه ی ابوینی ، اخوه ی ابی و اخوه ی امی : اخوه ی ابی از ارث محروم می شود.

➤ در صورت اجتماع اخوه ی ابوینی و اخوه ی ابی : اخوه ی ابی از ارث محروم می شود.

نکته : این قاعده ، فقط به طبقه ی دوم و سوم اختصاص دارد.

۵. برتری مذکر بر مؤنث : قانون مدنی ایران بر مبنای قرآن کریم (آیه ی ۱۱ سوره ی نساء) ، سهم الارث مذکر را دو برابر مؤنث قرار داده است. باید توجه داشت که :

➤ این قاعده در طبقه ی نخست اجرا می شود یعنی ، پسر متوفی ، دو برابر دختر وی ، ارث می برد و همچنین هرگاه وارثان متوفی ، فقط پدر و مادر او باشند ، مادر ثلث ترکه و پدر دو ثلث ترکه را می برد.

➤ این قاعده در ارث بردن به قائم مقامی، اجرا می شود. بنابراین، نه تنها اولادِ پسرِ متوفی، دو برابر اولادِ دخترِ او، ارث می برند بلکه، در تقسیم ارث بین افراد یک نسل نیز، مذکر دو برابر مونث ارث می برد.

➤ این قاعده در طبقه ی دوم و سوم، فقط بین وارثان ابوینی و ابی متوفی اجرا می شود. (یعنی در تقسیم ماترک بین خویشانِ امی، مونث با مذکر به صورت مساوی ارث می برد)

➤ این قاعده، بین وراث سببی متوفی (زوج یا زوجه) نیز اجرا می شود.

۶. تعلق یک ارث به چند زن: در نظام حقوقی ایران به پیروی از فقه اسلامی، تعدد زوجات جایز است و با شرایطی، مرد می تواند دو یا سه یا چهار زن، اختیار کند ولی، هرگاه چنین مردی بمیرد، هر یک از زنان دائمی او، یک ارث نمی برد بلکه طبق ماده ۹۴۲ قانون مدنی، در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد، بین همه ی آنان با سویه تقسیم می شود. به عنوان مثال، هرگاه متوفی، مردی باشد که دو زن دائمی و دو پسر داشته باشد، یک هشتم ماترک به دو زن دائمی، داده می شود که آن را به طور مساوی بین خودشان تقسیم کنند. (این موضوع به علت این است که ممکن است یکی از انگیزه های ازدواج برای برخی از زنان، بهره مندی از ارث کامل بعد از مرگِ زوج باشد، که این قاعده، باعث از بین رفتن چنین انگیزه ی و متعاقباً عدم وقوع چنین ازدواجی می شود)

۷. تعلق حبه به پسر بزرگتر متوفی: انگشتی که میت، معمولاً استفاده می کرده و همچنین قرآن، رخت های شخصی و شم شیر او به پسر بزرگ او می رسد، بدون اینکه از حصه ی او، از این حیث، چیزی کسری شود.

طبقه بندی وراثتِ نسبی : در بحث طبقه بندی با سه اصطلاح مواجه هستیم :

۱. طبقه : قانونگذار کلیه ی کسانی را که به موجب نسب ارث می برند ، به سه طبقه به شرح زیر تقسیم کرده است :

طبقه ی اول :

- ابویین (پدر و مادر) .
- اولاد و اولاد اولاد و و هر چه پایین تر برود .

طبقه ی دوم :

- اجداد (پدر بزرگ و مادر بزرگ) ، ابویین آنها و هر چه بالاتر برود .
- اخوه (برادر و خواهر) و اولاد آنها و هر چه پایین تر برود .

طبقه ی سوم :

- اعمام (عموها) و عمات (عمه ها) و اولاد آنها هر چه پایین تر برود .
- اخوال (دایی ها) و خالات (خاله ها) و اولاد آنها هر چه پایین تر برود .

۲. درجه : عبارت است از نسل. هر زایش را یک درجه گویند یعنی ، هر نسل که به متوفی ، اضافه یا کم بشود ، یک درجه ، اضافه یا کم می شود. مثلاً در طبقه ی اول ، اولاد متوفی ، درجه ی یک هستند و نوه های متوفی ، نسبت به متوفی ، درجه ی دو هستند.

۳. دسته : عبارت است از هر گروه در هر طبقه. به طور کلی :

در طبقه ی اول : دو دسته وجود دارد :

➤ دسته ی ابوین : پدر و مادر هستند.

➤ دسته ی اولاد : اولاد ، اولاد اولاد و هر چه پایین تر برود.

در طبقه ی دوم : دو دسته وجود دارد :

➤ دسته ی اجداد : اجداد (پدر بزرگ و مادر بزرگ) ، ابوین آنها و هر چه بالاتر

برود.

➤ دسته ی اخوه : اخوه (برادر و خواهر) و اولاد آنها و هر چه پایین تر

برود.

در طبقه ی سوم : یک دسته وجود دارد :

➤ دسته ی اعمال ، عمامات ، احوال و خالات و اولاد آنها و هر چه پایین تر برود.

نکته ۱ : در دسته بندی طبقات باید متوفی را معیار قرار بدهیم. مثلاً پدر متوفی ، اولاد

متوفی و

نکته ۲ : زوج و زوجه بستگان سببی هستند و ارتباطی به این سه طبقه ندارند (چون

این سه طبقه ، تقسیم بندی بستگان نسبی می باشد). بستگان سببی (یعنی زوج و

زوجه) در کنار هر سه طبقه ارث می برند. یعنی :

➤ اگر از بستگان نسبی متوفی، کسی از طبقه ی اول، بجای مانده باشد و زوج یا زوجه هم مانده باشد: هم آن بستگان طبقه اول ارث می برند و هم زوج یا زوجه.

➤ اگر از بستگان نسبی متوفی، کسی از طبقه ی دوم، بجای مانده باشد و زوج یا زوجه هم مانده باشد: هم آن بستگان طبقه دوم ارث می برند و هم زوج یا زوجه.

➤ اگر از بستگان نسبی متوفی، کسی از طبقه ی سوم، بجای مانده باشد و زوج یا زوجه هم مانده باشد: هم آن بستگان طبقه سوم ارث می برند و هم زوج یا زوجه.

نکات کلی:

۱. طبقات در طول هم هستند یعنی، بین طبقات تقدم و تاخر وجود دارد. بنابراین، هر طبقه، مانع ارث بردن طبقه ی بعد از خودش می باشد. پس، اگر طبقه ی اول موجود باشد، طبقه ی دوم ارث نمی برد و اگر طبقه ی دوم، موجود باشد، طبقه ی سوم ارث نمی برد.

۲. درجه ها در هر دسته، در طول هم هستند یعنی، بین درجات در هر دسته، تقدم و تاخر وجود دارد. بنابراین، در هر دسته، درجه ی نزدیک مانع ارث بردن درجه ی دور همان دسته است (درجه ی نزدیک یک دسته مانع ارث بردن درجه ی دور دسته ی دیگر نیست). پس، اگر درجه ی اول در یک دسته موجود باشد، درجه ی دوم در همان دسته، ارث نمی برد و اگر درجه ی دوم، در یک دسته موجود باشد، درجه ی سوم در همان دسته، ارث نمی برد.

۳. دسته ها در عرض هم ارث می برند یعنی بین دسته ها ، تقدم و تاخر وجود ندارد. (به بیان دیگر ، دسته ها حاجب یکدیگر نیستند یعنی دسته ی اول با دسته ی دوم ، تواماً و باهم ، ارث می برند و یکدیگر را محروم نمی کنند). بنابراین ، هیچ کدام از دسته ها مانع ارث بردن دسته ی دیگری نیست و درجات هر دسته ، ربطی به درجات دسته ی دیگر ندارند و درجه ی دور و نزدیک هم ، بی تاثیر است.

به عنوان مثال ، پدر بزرگ و برادر زاده ، که این دو ، هیچکدام مانع دیگری نیست و هر دو ارث می برند ، چون پدر بزرگ درجه ی اول از طبقه ی دوم و از دسته ی اول و برادرزاده هم ، از درجه ی دوم طبقه ی دوم و از دسته ی دوم است.

۴. طبقه و درجه در قانون مدنی ذکر شده اند. یعنی این دو لفظی مذکور هستند.

۵. دسته در قانون مدنی ذکر نشده است. یعنی ، لفظی غیر مذکور است.

در فرض و صاحبان فرض : تعریف چند اصطلاح :

- فرض : عبارت است از سهم معین قانونی هر وارث که در قرآن آمده است.
- فرض بر (صاحب فرض) : به کسی اطلاق می شود که سهم او از ترکه ، به صورت معین قانونی در قرآن آمده است.
- قرابت بر (صاحب قرابت) : به کسی اطلاق می شود که سهم او از ترکه ، به صورت معین قانونی در قرآن نیامده است.

نکات :

۱. فروض بیان شده در قرآن (سهام مقدره) عبارتند از :

$$\text{➤ } \frac{1}{2} \text{ (نصف)}$$

$$\text{➤ } \frac{1}{4} \text{ (رُبْع)}$$

$$\text{➤ } \frac{1}{6} \text{ (سُدُس)}$$

$$\text{➤ } \frac{1}{8} \text{ (ثُمْن)}$$

$$\text{➤ } \frac{1}{3} \text{ (ثُلُث)}$$

$$\text{➤ } \frac{2}{3} \text{ (دو ثُلُث)}$$

۲. سهم فرض برها بر دو گونه است :

➤ **فرض اعلی :** در صورتی که متوفی ، اولادی نداشته باشد ، به فرض برها ، سهم اعلی می رسد. به عنوان مثال ، در صورت عدم وجود اولاد از متوفی ، سهم مادر یک سوم ، سهم زوج یک دوم و سهم زوجه ، یک چهارم است.

➤ **فرض ادنی :** در صورتی که متوفی ، اولادی داشته باشد ، به فرض برها ، سهم ادنی می رسد. به عنوان مثال ، در صورت وجود اولاد از متوفی ، سهم مادر یک ششم ، سهم زوج یک چهارم و سهم زوجه ، یک هشتم است.

باید توجه داشت که ، همیشه فرض اعلی دو برابر فرض ادنی است. وقتی بخواهیم سهم الارث را تخصیص بدهیم (یعنی تشخیص سهم اعلی و ادنی) ، با وارثان کاری نداریم و باید به سراغ متوفی برویم (با خود فرض برها کاری نداریم و متوفی مدنظر است). پس اگر :

➤ اگر متوفی ، اولاد داشت : فرض ، اعلی (بیشتر) است.

➤ اگر متوفی ، اولاد نداشت : فرض ، ادنی (کمتر) است.

۳. نسبت فرض با کل ترکه اصولاً ثابت است یعنی ، به تناسب شمار وارثان ، فزونی و کاستی نمی یابد.

کلالات ثلاث (کَلَالَه های سه گانه) : ماهیت نسب برادران و خواهران نسبت به متوفی کلاً به سه صورت است :

۱. کَلَالَه ی ابوینی (اخوه ی ابوینی ، برادران و خواهران ابوینی) : منظور برادران و خواهرانی هستند که با متوفی از یک پدر و یک مادر (تنی) هستند. به بیان دیگر ، پدر و مادر آنها با پدر و مادر متوفی ، مشترک است.

۲. کَلَالَه ی ابی (اخوه ی ابی ، برادران و خواهران ابی) : منظور برادران و خواهرانی هستند که با متوفی از یک پدر بوده (تنی) ، ولی از مادر ، جدا (ناتنی) می باشند. به بیان دیگر ، فقط پدر آنها با پدر متوفی مشترک است.

۳. کَلالَه ی اُمی (اِخوَه ی اُمی ، برادران و خواهرانِ اُمی) : منظور برادران و خواهرانی هستند که با متوفی از یک مادر بوده (تنی) ، ولی از پدر ، جدا (ناتنی) هستند. به بیان دیگر ، فقط مادر آنها با مادر متوفی مشترک است.

نکات :

۱. کلاله در لغت به معنای احاطه است و برادران و خواهران متوفی را به این دلیل کلاله گویند که در اطراف میت قرار دارند و او را احاطه کرده اند. (به بیان دیگر ، کلاله خویشان در خط اطراف است)

۲. پدران و فرزندان را لصیقِ میت گویند که ملاصق (در جنب ، کنار) میت هستند.

۳. اِخوَه ، جمه آخ و در لغت به معنای " برادران " است اما ، در مباحث مربوط به ارث ، یعنی برادران و خواهران.

۴. اگر در جایی مشخص نباشد که اخوه ، ابوینی ، ابی یا اُمی هستند ، باید آنها را ابوینی فرض کرد زیرا ، مطلق ، منصرف به فرد اجلی دارد.

۵. در مورد کلاله های ابوینی ، ابی و اُمی ، قواعد زیر حاکم است :

- کلاله ی ابوینی ، همیشه ارث می برد و ار ارث محروم نمی شود.
- کلاله ی اُمی ، همیشه ارث می برد و از ارث محروم نمی شود.
- کلاله ی ابی ، در صورتی ارث می برد که کلاله ی ابوینی ندا شته باشیم. (به بیان دیگر ، در صورت بودن کلاله ی ابوینی ، کلاله ی ابی از ارث محروم می

شود چون ، کلاله ی ابوینی حاجب حرمانی کلاله ی ابی هستند)

بنابراین ، بین کلاله های ابوینی ، ابی و امی ، چهارحالت متصور است :

➤ أمی ، ابوینی ، ابی : ابی ارث نمی برد.

➤ امی ، ابوینی : هر دو ارث می برند.

➤ أمی ، ابی : هر دو ارث می برند.

➤ ابوینی ، ابی : ابی ارث نمی برد.

به عنوان مثال :

➤ متوفی ، برادر ابوینی ، برادر ابی و برادر أمی دارد : برادر ابی ارث نمی برد.

➤ متوفی ، برادر ابوینی و خواهر أمی دارد : هر دو ارث می برند.

➤ متوفی ، خواهر ابوینی و برادر ابی دارد : برادر ابی ارث نمی برد.

➤ متوفی ، خواهر ابی و برادر أمی دارد : هر دو ارث می برند.

نحوه ی ارث بری (ماده ۸۹۳ ق.م.) : وارثان نسبی متوفی به سه دسته ی کلی

تقسیم می شوند :

الف. فرض برها : وراثی هستند که همیشه به فرض ، ارث می برند. این وراث پنج

دسته به شرح زیر می باشند :

۱. مادر :

➤ اگر متوفی ، فرزند نداشته باشد: $\frac{1}{3}$ از اصل ترکه

➤ اگر متوفی ، فرزند داشته باشد : $\frac{1}{6}$ از اصل ترکه

۲. زوج :

➤ اگر زوجه ای که فوت کرده ، فرزند نداشته باشد : $\frac{1}{2}$ از اصل ترکه

➤ اگر زوجه ای که فوت کرده ، فرزند داشته باشد : $\frac{1}{4}$ از اصل ترکه

۳. زوجه :

➤ اگر زوجی که فوت کرده است ، فرزند نداشته باشد : $\frac{1}{4}$ از اصل ترکه

➤ اگر زوجی که فوت کرده است ، فرزند داشته باشد : $\frac{1}{8}$ از اصل ترکه

نکته : در مورد زوج و زوجه ، داشتن فرزند برای متوفی (زوج یا زوجه ای که فوت کرده است) ، اعم است از اینکه این فرزند متعلق به همسر کنونی باشد یا سابق.

۴. خویشاوندان اُمی در طبقه ی دوم (یعنی جد اُمی ، جده اُمی ، برادر اُمی ، خواهر اُمی) :

➤ اگر فقط یک برادر اُمی یا فقط یک خواهر اُمی باشد : $\frac{1}{6}$ از اصل ترکه

➤ در سایر موارد : $\frac{1}{3}$ از اصل ترکه

۵. خویشاوندان اُمی در طبقه ی سوم (یعنی خاله ها و دایی ها) :

➤ چه در صورت انفراد و چه در صورت تعدد ، همیشه : $\frac{1}{3}$ از اصل ترکه

ب. : گاه به فرض و گاه به قرابت : وراثی هستند که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ، ارث می برند. این وراثت پنج دسته به شرح زیر می باشند :

۱. پدر :

➤ اگر متوفی ، فرزند داشته باشد : فرض بر است و فرض او $\frac{1}{6}$ از اصل ترکه است.

➤ اگر متوفی ، فرزند نداشته باشد : قرابت بر است.

۲. یک دختر :

➤ اگر تنها فرزند میت باشد : فرض بر است و فرض او $\frac{1}{2}$ از اصل ترکه است.

➤ اگر همراه با فرزند ذکور باشد : قرابت بر است.

۳. دو دختر و بیشتر :

➤ اگر به همراه فرزند ذکور نباشند : فرض بر هستند و فرض آنها $\frac{2}{3}$ از اصل ترکه است.

➤ اگر به همراه فرزند ذکور باشند : قرابت بر هستند.

۴. یک خواهر (ابوینی یا ابی) :

- اگر همراه با برادرِ ابوینی یا ابی نباشد: فرض بر است و فرض او $\frac{1}{2}$ از اصل ترکه است.
- اگر همراه با برادرِ ابوینی یا ابی باشد: قرابت بر است.

۵. دو خواهر (ابوینی یا ابی) و بیشتر :

- اگر همراه با برادر یا برادرهای ابوینی یا ابی نباشند: فرض بر هستند و فرض آنها $\frac{2}{3}$ از اصل ترکه است.
- اگر همراه با برادر یا برادرهای ابوینی یا ابی باشند: قرابت بر هستند.

ج. قرابت برها: وراثی هستند که همیشه به قرابت، ارث می برند. این وراثت چهار دسته به شرح زیر می باشند:

۱. فرزندان ذکور در طبقه ی اول.

۲. جد ابی و جده ابی در طبقه ی دوم.

۳. برادران ابوینی و ابی در طبقه ی دوم.

۴. اعمام امی، ابوینی و ابی در طبقه ی سوم.

نکته: به طور کلی می توان گفت که وراثت قرابت بر عبارتند از کلیه ی وراثت بجز دو دسته ی قبلی.

بحث رد^۱ (نقص یا زیادتی ترکه نسبت به فرض) : اگر همه ی وارثان (نسبی و سببی) ، فرض بر باشند ، سه حالت ممکن است که حادث شود :

(۱) جمع فروضِ صاحبان فرض ، برابر با ترکه است.

به عنوان مثال ، وراث میتی که از او ۲۴۰ واحد به جای مانده است ، عبارتند از مادر ، پدر و دو دختر. حال :

← مادر ، فرض بر است و فرض او یک ششم است چون متوفی ، فرزند دارد پس ، سهم او می شود : ۴۰ واحد.

← پدر ، فرض بر است و فرض او یک ششم است چون متوفی ، فرزند دارد پس ، سهم او می شود : ۴۰ واحد.

← دو دختر ، فرض بر هستند و فرض آنها دو سوم است چون دو دختر به همراه فرزند ذکور نیستند پس ، سهم آنها می شود : ۱۶۰ واحد.

بنابراین ؛ $۲۴۰ = ۱۶۰ + ۴۰ + ۴۰$ واحد

در این حالت ، مشکلی وجود ندارد چون ، جمع فروضِ صاحبان فرض ، برابر با ترکه است.

(۲) جمع فروضِ صاحبان فرض ، بیشتر از ترکه است : به این حالت عول گفته می شود و چون ترکه کفایت تمام وراث را نمی کند ، نقص بر بنت یا بتین^۲ وارد می شود.

^۱ رد : عبارت است از دادن مازاد حصه ی صاحبان فرض به صاحبان فرض.

^۲ بنت یا بتین : یعنی :

یعنی اینکه ، فروض همه را داده و آن مقدار که کم آمده است را از بنت یا بنتین ، کم می کنیم.

نکته ۱ : علت اینکه این نقصان از دختران کم می شود این است که دختران برخلاف سایر فرض بر ها ، حد اعلی و حد ادنی ندارند (بیشترین ارث را می برند) و تنها فرض برانی هستند که تغییر سهم نداشته اند. بنابراین ، این نقصان بر آنان وارد می گردد تا سهم آنان مانند دیگر فرض بران ، تغییر کند. (از جمع مواد ۹۱۴ ، ۹۲۷ و ۹۳۸ قانون مدنی ، چنین علتی استنباط می شود)

نکته ۲ : همیشه عول زمانی اتفاق می افتد که زوج یا زوجه نیز جزء وراث باشند.

به عنوان مثال ، وراث میتی که از او ۲۴۰ واحد به جای مانده است ، عبارتند از مادر ، پدر و دو دختر و زوج. حال :

← مادر ، فرض بر است و فرض او یک ششم است چون متوفی ، فرزند دارد پس ، سهم او می شود : ۴۰ واحد.

← پدر ، فرض بر است و فرض او یک ششم است چون متوفی ، فرزند دارد پس ، سهم او می شود : ۴۰ واحد.

← دو دختر ، فرض بر هستند و فرض آنها دو سوم است چون دو دختر به همراه فرزند ذکور نیستند پس ، سهم آنها می شود : ۱۶۰ واحد.

در طبقه ی اول : دختر یا دختران.

در طبقه ی دوم : خواهر یا خواهران ابوینی یا ابی.

◀ زوج، فرض بر است و فرض او یک چارم است چون متوفی، فرزند دارد پس، سهم او می شود: ۶۰ واحد.

بنابراین؛ $۴۰ + ۴۰ + ۱۶۰ + ۶۰ = ۳۰۰$ واحد

در حالی که فقط ۲۴۰ واحد به جای مانده است. حالا، چون عول اتفاق افتاده است، هر کدام از وراث سهم خودشان را می برند ولی دو دختر به جای ۱۶۰ واحد، ۱۰۰ واحد می برند.

(۳) جمع فروض صاحبان فرض، کمتر از ترکه است: به این حالت تعصیب گفته می شود و چون ترکه بیشتر از سهم تمام وراث است، مازاد ترکه بین تمام فرض برها، به همان نسبتی که از اصل می برند، تقسیم می شود. یعنی همه ی کسانی که از اصل ترکه به عنوان فرض بر، ارث می برند، تمام آنها از مازاد هم، به عنوان رد، ارث می برند.

به عنوان مثال، وراث میتی که از او ۱۲۰ واحد به جای مانده است، عبارتند از مادر و یک دختر. حال:

◀ مادر، فرض بر است و فرض او یک ششم است چون متوفی، فرزند دارد پس، سهم او می شود: ۲۰ واحد.

◀ دختر، فرض بر است و فرض او یک دوم است چون تنها فرزند میت است پس، سهم او می شود: ۶۰ واحد.

بنابراین؛ $۲۰ + ۶۰ = ۸۰$ واحد

در حالی که ۱۲۰ واحد از متوفی به جای مانده بود و ۴۰ واحد اضافه آمده است. حالا ، چون تعصیب اتفاق افتاده است ، مازاد ترکه بین تمام فرض برها ، به همان نسبتی که از اصل می برند ، تقسیم می شود. پس :

➤ سهم مادر : ۲۰ واحد (به فرض) + ۱۰ واحد (به رد) = ۳۰ واحد.

➤ سهم دختر : ۶۰ واحد (به فرض) + ۳۰ واحد (به رد) = ۹۰ واحد.

در مورد رد بردن باید توجه داشت که :

۱. به زوجه هیچگاه رد داده نمی شود حتی ، اگر وارث منحصر باشد. (یعنی حتی اگر تنها وارث میت باشد)

به عنوان مثال ، وراثت میتی که ۱۲۰ واحد از او به جای مانده باشد ، عبارت باشند از مادر و زوجه.

◀ مادر ، فرض بر است و فرض او یک سوم است چون متوفی ، فرزند ندارد پس ، سهم او می شود : ۴۰ واحد.

◀ زوجه ، فرض بر است و فرض او یک چهارم است چون متوفی ، فرزند نداشته است پس ، سهم او می شود : ۳۰ واحد.

بنابراین ؛ $40 + 30 = 70$ واحد.

در حالی که ۱۲۰ واحد از متوفی به جای مانده بود و ۵۰ واحد اضافه آمده است. حالا ، چون به زوجه ، هیچگاه رد داده نمی شود ، مابقی را به مادر می دهیم. پس :

➤ سهم مادر: ۴۰ واحد (به فرض) + ۵۰ واحد (به رد) = ۹۰ واحد.

➤ سهم زوجه: ۳۰ واحد (به فرض) و دیگر چیزی به رد نمی برد.

اگر زوجه، وارث منحصر باشد: ۳۰ واحد به رد می برد و ۹۰ واحد باقی مانده، در حکم ترکه ی بلاوارث می باشد.

۲. به زوج اصولاً رد داده نمی شود مگر، وارث منحصر با شد. (یعنی اگر تنها وارث میت باشد، به او رد داده می شود)

به عنوان مثال، وراثت میتی که ۱۲۰ واحد از او به جای مانده باشد، عبارت باشند از مادر و زوج.

◀ مادر، فرض بر است و فرض او یک سوم است چون متوفی، فرزند ندارد پس، سهم او می شود: ۴۰ واحد.

◀ زوج، فرض بر است و فرض او یک دوم است چون متوفی، فرزند نداشته است پس، سهم او می شود: ۶۰ واحد.

بنابراین؛ $۴۰ + ۶۰ = ۱۰۰$ واحد.

در حالی که ۱۲۰ واحد از متوفی به جای مانده بود و ۲۰ واحد اضافه آمده است. حالا، چون به زوج، اصولاً رد داده نمی شود، مابقی را به مادر می دهیم. پس:

➤ سهم مادر: ۴۰ واحد (به فرض) + ۲۰ واحد (به رد) = ۶۰ واحد.

➤ سهم زوج: ۶۰ واحد (به فرض) و دیگر چیزی به رد نمی برد.

اگر زوج ، وارث منحصر باشد : ۶۰ واحد به رد می برد و ۶۰ واحد باقی مانده را ، به رد می برد.

۳. به مادر اصولاً رد داده می شود مگر ، حاجب داشته باشد. (یعنی همیشه به مادر رد می دهیم ولی ، اگر مادر دارای حاجب بود دیگر ، چیزی به رد ، به او نمی دهیم)

سوال : در چه مواردی دارای حاجب است ؟

وقتی برای متوفی ، اخوه (برادران و خواهرانی)^۱ با تمام شروط زیر باشد ، مادر متوفی ، از بردن بیش از سدس ترکه ، به هر نحوی ، محروم می شود ، حتی اگر به رد باشد. این شرایط عبارتند از :

➤ اخوه های (برادر و خواهرها) متوفی باید حداقل دو برادر یا معادل دو برادر باشند. (معادل دو برادر : یعنی با دو برادر یا یک برادر + دو خواهر یا چهار خواهر هم امکان پذیر است)

➤ پدر متوفی زنده باشد ، مفقود نباشد ، ممنوع از ارث نباشد.

➤ اخوه ها (برادر و خواهرها) به دلیل کفر ، لعان و ولادت از زنا ، از ارث محروم نباشند. (اگر به دلیل قتل ، از ارث محروم باشند ، اشکالی ندارد)

^۱. حاجب مادر ، اخوه ی متوفی است. در اینجا ، خود اخوه ارث نمی برد اما ، ارث مادر را تحت تاثیر قرار می دهد. حال باید بیان داشت که به عنوان تفاوت ، اولاد متوفی فقط باعث می شود که مادر متوفی ، فرض ادنی را ببرد اما ، اخوه هم باعث ادنی شدن و هم عدم رد به مادر می شود.

➤ اخوه ها (برادر و خواهرها) باید همگی ابوینی یا همگی ابی باشند. (اخوه ها نباید امی باشند)

➤ اخوه ها ، حمل نباشند یعنی ، از مادر به دنیا آمده باشند. (اخوه ابی به صورت حمل وجود نداشته باشد)

نکات کلی :

۱. بحث رد فقط زمانی پیش می آید که همه ی وارثان (نسبی و سببی) ، فرض بر باشند. بنابراین ، اگر در بین وارثان حتی یک وارث قرابت بر هم وجود داشته باشد ، چیزی به عنوان " رد " سالبه به انتفاء موضوع است.

۲. در فقه اهل عامه :

➤ اگر عول اتفاق بیفتد : این نقصان به نسبت از همه ، کم می شود.

➤ اگر تعصیب اتفاق بیفتد : زیاده را به عصبه (خویشاوندان ذکور پدری) می دهند.

۳. رد ، ویژه ی خویشاوندان نسبی است و رد بردن زوج در صورتی که وارث منحصر باشد ، استثناء محسوب می شود. و این رد دادن به او مبتنی بر این فرض است که اموال زوجه نیز عمدتاً از طرف زوج به او رسیده است مانند مهریه. هرچند که این حکم ناشی از رای برخی از فقها بوده و نه رای شرع.

نحوه ی تقسیم ترکه بین وراث (ماده ۹۰۵ ق.م.) : برای تقسیم ترکه بین وراث ، وراث را بر اساس فرض بر یا قرابت بر بودن ، مشخص می کنیم. که سه حالت ممکن است به وجود آید :

الف. همه ی وراث ، فرض بر هستند : فروض آنها را می دهیم (هیچکدام بر دیگری اولویت ندارد و بین آنها تقدم و تاخری وجود ندارد چون ، اولویت بی تاثیر است و هر کدام از فرض برها ، سهم خودش را از کل ترکه می برد) و اگر عول یا تعصیبی اتفاق افتاد ، طبق قواعد عول و تعصیب ، عمل می کنیم.

ب. بعضی از وراث فرض بر و بعضی دیگر ، قرابت بر هستند : ابتدا باید فرض فرض برها را بدهیم تا بتوان سهم الارث قرابت برها را مشخص کنیم. بنابراین ، ابتدا فرض فرض برها را می دهیم و مابقی را به نسبت مشخص شده ، بین قرابت برها تقسیم می کنیم.

ج. همه ی وراث ، قرابت بر هستند : ترکه را به نسبت مشخص شده ، بین آنها تقسیم می کنیم.

حبوه (ماده ۹۱۵ ق.م.) :

➤ در لغت : به معنای عطیه ، یعنی مالی است که بخشیده می شود.

➤ در اصطلاح : عبارت است از بعضی اموال اختصاصی (مورد استفاده) پدر ، که با فوت او به بزرگترین فرزند ذکور او داده می شود. (به بیان دیگر ، حبوه بخشی از ترکه است که با مرگ پدر و به حکم قانون ، به مالکیت پسر بزرگ وی در می آید)

اموال **حبوه**: اموالی که حبوه محسوب می شوند عبارتند از:

۱. **انگشتر مورد استعمال میت**: حلقه ای است با نگین که متوفی معمولاً در انگشت خود می کرده است، خواه نگین آن پر ارزش باشد یا نباشد. اگر انگشترهایی که میت استعمال می کرده است، متعدد بوده، همه ی آنها جزو اموال حبوه است زیرا، عنوان مذکور در روایات، "خاتم" است که اسم جنس بوده و شامل انگشترهای متعدد خواهد بود.

نکته: انگشتر بدون نگین، جزو حبوه محسوب نمی شود.

۲. **قرآن**: قرآن در صورتی جزو اموال حبوه محسوب می شود که به متوفی اختصاص داشته و معمولاً آن را می خوانده یا برای تبرک یا برای استناد به آن، با خود به همراه می برده است، خواه از نظر ارزش اقتصادی، گران قیمت باشد و خواه نباشد. اگر قرآن های اختصاصی متوفی، متعدد بوده باشد، همه ی آنها جزو اموال حبوه به حساب آمده و متعلق به پسر بزرگ خواهد بود.

۳. **رخت های شخصی**: منظور از رخت های شخصی، لباس های زیر و رو است که تن شخص را می پوشاند و شامل کلاه و جوراب نیز می باشد.

۴. **شمشیر**: شمشیر در صورتی جزو اموال حبوه به حساب می آید که اختصاص به متوفی داشته باشد و او در دفاع، از آن، استفاده می کرده است.

نکته: منظور از شمشیر، شمشیر مورد استفاده ی شخص متوفی است که در زمان حاضر، چندان موضوعیت ندارد. بنابراین، اگر متوفی یک شمشیر تزئینی نگهداری می کرده، این شمشیر حبوه نبوده بلکه، ترکه محسوب شده و به همه ی وارثان می رسد.

دلایل حکم حَبُوه : حکم اختصاص مالکیت اموال حَبُوه از استثنای مقررات ارث محسوب می شود که از فقه امامیه اقتباس شده است و مستند آن حکم برخی از روایات است که مشهور فقیهان ، آن را الزامی ، برخی اختیاری و برخی استحبابی دانسته اند. با وجود این ، چون حکم استثنائی است باید به صورت محدود و مضیق تفسیر شود. بنابراین ، برای مثال نباید با تفسیر موسع ، شمشیر را وسیله ی دفاع تفسیر کرد و در شرایط کنونی ، سلاح گرم و مانند آن را امتیاز ویژه ی پسر بزرگ دانست یا انگشتی را وسیله ی تزئین و حلقه ی نامزدی و ساعت مچی را نیز در زمره ی اموال حَبُوه دانست.

شرایط اجرای حکم حَبُوه : برای اجرای این حکم استثنایی باید تمام شرایط زیر توامان وجود داشته باشد :

۱. متوفی ، پدر پسر بزرگ باشد و نه مادر او : ماده ی ۹۱۵ قانون مدنی ، باید با توجه به دلایل فقهی ماده ی ۹۱۵ قانون مدنی تفسیر شود و گرنه ، هرگاه کسی به استناد اطلاق واژه ی " میت " آن را به مادر پسر بزرگ تسری دهد ، از هدف قانونگذار دور شده است. شاید قرینه ی ذکر شمشیر در ماده ، که در گذشته اختصاص به مردان داشته ، نیز بر پیشینه ی آن دلالت داشته باشد. علی ایحال ، بر مبنای روایات ، هرگاه متوفی ، پدر باشد ، حَبُوه به پسر بزرگ او می رسد.
۲. پسر بزرگ ، موجود و در قید حیات باشد : منظور از پسر بزرگ متوفی ، بزرگترین فرزند ذکور (بزرگترین پسر) او می باشد ، اعم از اینکه فرزند ذکور منحصر باشد یا

اینکه متوفی، فرزندان ذکور دیگری هم داشته باشد و نیز متوفی، فرزندان اناث بزرگتر داشته یا نداشته باشد. زیرا در تمام موارد مذکور، عنوان بزرگترین فرزند ذکور، که فرزند ذکور بزرگتر از او موجود نیست، بر او صادق است.

نکته ۱: در صورتی که از متوفی:

➤ **دو پسر همسن از دو همسر به جای مانده باشد:** هیچ یک از این دو، استحقاق حبوه را نخواهد داشت. زیرا، ظاهر از عنوان "پسر بزرگ"، پسری است که فرزند ذکور دیگری بزرگتر یا همسن او نباشد و در صورت تردید در استحقاق یا عدم استحقاق آن دو، به حکم اصل عدم، حکم استثنائی حبوه، جاری نخواهد بود.

➤ **دو پسر همسن از یک همسر به جای مانده باشد (مثل دو پسر دوقلو):** حبوه به تساوی، بین آنان تقسیم می شود.

نکته ۲: وجود پسر بزرگ در عالم خارج از رحم، اختلافی است:

➤ **به نظر برخی از فقیهان:** صدق عنوان پسر بودن در آینده، کفایت می کند. بنابراین، فرقی نمی کند که پسر بزرگ به صورت عَلَقَه، مِضْغَه^۱ یا در مراحل دیگر جنینی باشد.

^۱ عَلَقَه و مِضْغَه :

عَلَقَه : مرحله ی سوم تکامل جنین است. به معنای تبدل منی به صورت خون بسته است.

مِضْغَه : مرحله ی چهارم تکامل جنین است. به معنای تبدل به پاره ی گوشت شدن است.

➤ به نظر برخی از فقیهان: حمل حبوه نمی برد.

نکته ۳. هرگاه پسر بزرگ از دنیا رفته باشد، اولاد او قائم مقام متوفی، در تملک حبوه نمی شوند.

۳. پسر بزرگ، سفیه نباشد: برخی از فقها^۱، برخلاف مشهور، سفیه و فاسد رای نبودن پسر بزرگ را نیز از شرایط تملک حبوه دانسته اند.

نکته: شرط بلوغ پسر بزرگ نیز با توجه با اینکه بر غیر بالغ، تکلیف خواندن نماز قضاء و گرفتن روزه ی قضاء پدر نیست، اختلافی است. برخی با استناد به اطلاق دلایل، آن را شرط ندانسته و بعضی آن را یکی از شرایط تملک حبوه دانسته اند.

۴. ترکه منحصر در اموال حبوه و مستغرق در دین نباشد: باید توجه داشت که:

➤ ترکه منحصر در اموال حبوه باشد: یعنی کل ماترک باقیمانده از متوفی، همین اموال حبوه باشد. در این صورت، حبوه به پسر بزرگ تعلق نگرفته، بلکه بین تمام وارثان تقسیم می شود. (چون دادن حبوه به پسر بزرگ در این حالت، اجحاف به سایر ورثه محسوب می شود)

➤ ترکه مستغرق در دین باشد: یعنی دیون متوفی بیشتر از اموال موضوع حبوه باشد. به بیان دیگر، دیون متوفی آنقدر زیاد باشد که لازم باشد این اموال نیز برای تادیه ی دیون او اختصاص داده شود. در این صورت، حبوه به پسر بزرگ تعلق نگرفته، بلکه باید بدهی متوفی از محل اموال حبوه، داده شود.

^۱. همچون ابن حمزه و ابن ادریس.

نکات کلی :

۱. حبه مختص میراث پدر است و شامل میراث از جد (پدر بزرگ) نمی شود.
۲. در صورت تعدد انگشتی ، قرآن ، رختهای شخصی و شمشیر مورد استعمال ، همه ی این موارد ، مشمول حبه خواهند شد و نباید مفرد بودن الفاظ فوق را مانع دانست ، زیرا ملاک ، کثرت و عادت استعمال می باشد.
۳. چون اموال موضوع حبه ، محصور هستند نمی توان به یاری قیاس چیزی را جانشین آنها نمود. به عنوان مثال ، تفنگ شخصی پدر را جانشین شمشیر نمود.
۴. حبه قبل از تقسیم ترکه ، برداشته می شود و از حصه ی پسر بزرگتر نمی کاهد.
۵. پارچه ای که برای دوخت لباس خریداری شده ، تا زمانی که توسط خیاط بریده نشده باشد ، مشمول عنوان رخت نخواهد شد. اما ، اگر پارچه بریده شده باشد ، رخت محسوب می شود ، هر چند که هنوز دوخته نشده باشد. (مرحوم کاتوزیان)
۶. وصیت حبه به غیر از پسر بزرگتر ، صحیح است زیرا حبه ، میراث است و اجرای وصیت مقدم بر تقسیم ارث می باشد.

سهم الارث طبقه ی دوم : طبقه ی دوم عبارت است از :

- اجداد (پدر بزرگ و مادر بزرگ) ، ابویین آنها و هرچه بالاتر برود.
- اخوه (برادر و خواهر) و اولاد آنها و هر چه پایین تر برود.

می توان طبقه ی دوم را به صورت زیر تجزیه و در چهار گروه تقسیم بندی نمود :

(۱) خویشاوندان امی که عبارتند از : جد امی ، جده امی ، برادر امی ، خواهر امی.

(۲) اجداد ابی که عبارتند از : جد ابی و جده ابی.

(۳) اخوه ابوینی و ابی که عبارتند از : برادر ابوینی ، برادر ابی ، خواهر ابوینی ، خواهر ابی.

(۴) خویشاوندان سببی که عبارتند از : زوج یا زوجه. (چون زوج و زوجه در کنار هر سه طبقه ارث می برند ، پس زوج و زوجه نیز یک گروه را در طبقه ی دوم تشکیل می دهند.)

سهم هر گروه به صورت زیر است :

(۱) خویشاوندان امی : همیشه فرض بر هستند و فرض آنها :

➤ همیشه و در همه حال (چه متعدد و چه منفرد باشند) : $\frac{1}{3}$ از اصل ترکه است.

➤ اگر فقط یک برادر و یا فقط یک خواهر امی باشد : $\frac{1}{6}$ از اصل ترکه است.

نکته اینکه ، در گروه خویشاوندان امی ، مذکر برابر با مونث می برد. یعنی ، تعداد افراد را شمارش کرده و یک سوم را بین آنها تقسیم می کنیم.

(۲) اجداد ابی : همیشه قرابت بر هستند و مذکر دو برابر مونث می برد. (یعنی جد دو برابر جده می برد)

(۳) اخوه ابوینی و ابی : ممکن است با توجه به تعدادی که هستند فرض بر یا قرابت بر باشند. یعنی سهم :

➤ خواهر ابوینی یا ابی ، واحد باشد : $\frac{1}{2}$ از اصل ترکه است.

➤ خواهر ابوینی یا ابی ، متعدد باشند : $\frac{2}{3}$ از اصل ترکه است.

➤ خواهران به همراه برادران : همه قرابت بر هستند و مذکر دو برابر مونث می برد.

➤ برادران ، چه واحد باشند و چه متعدد : همه قرابت بر هستند.

(۴) خویشاوندان سببی : اگر فرزندی وجود داشت هیچگاه ارث به طبقه ی دوم نمی رسد. پس ، در این طبقه اولادی وجود ندارد و چون اولادی وجود ندارد ، سهم زوج و زوجه حد اعلی می باشد. یعنی فرض :

➤ زوج : $\frac{1}{2}$ از اصل ترکه است.

➤ زوجه : $\frac{1}{4}$ از اصل ترکه است.

نکته ی مهم : در تقسیم ارث در طبقه ی دوم :

- در بین خویشاوندان اُمی : مذکر برابر با مونث می برد.
- در بین اجداد ابی : مذکر دو برابر مونث می برد.
- در بین اخوه ابوینی و ابی : مذکر دو برابر مونث می برد.

در تقسیم ارث در طبقه ی دوم ، به صورت طولی (به ترتیب) کارهای زیر را انجام می دهیم :

۱. کلیه ی وراث را به چهار گروه تقسیم می کنیم :

- خویشاوندان اُمی که عبارتند از : جد اُمی ، جد اُمی ، برادر اُمی ، خواهر اُمی.
- اجداد ابی که عبارتند از : جد ابی و جد ابی.
- اخوه ابوینی و ابی که عبارتند از : برادر ابوینی ، برادر ابی ، خواهر ابوینی ، خواهر ابی.
- خویشاوندان سببی که عبارتند از : زوج یا زوجه.

۲. فرض بر بودن یا قرابت بر بودن هر کدام از چهار گروه مافوق را مشخص می کنیم. در صورت فرض بر بودن ، فرض آنها را مشخص کرده و در صورت قرابت بر بودن ، مقدار باقیمانده را برای آنها حساب می کنیم.

۳. اجتماع کلاله های ابوینی ، ابی و اُمی ، را در هر چهار گروه در نظر گرفته و طبق حالات چهارگانه ی زیر ، عمل می کنیم :

➤ أُمی ، ابوینی ، ابی : ابی ارث نمی برد.

➤ أُمی ، ابوینی : هر دو ارث می برند.

➤ أُمی ، ابی : هر دو ارث می برند.

➤ ابوینی ، ابی : ابی ارث نمی برد.

نکته اینککه : در طبقه ی دوم ، اجتماع کلاله های ابوینی ، ابی و امی ، فقط در گروه
اخوه ی ابوینی و ابی وجود دارد.

۴. فرض فرض برها را که قبلاً مشخص کرده بودیم ، در بین آنها به صورت زیر تقسیم
می کنیم :

➤ برای خویشاوندان أُمی : فرض را به نسبت پسر برابر با دختر ، در بین آنها به
تساوی و به تعدادشان ، تقسیم می کنیم.

➤ برای خویشاوندان سببی (زوج و زوجه) : همان فرض ها را به آنها می دهیم.

➤ برای اخوه ی ابوینی و ابی : اگر فرض بر بودند به نسبت فرض معین شده به
آنها می دهیم.

۵. سهم دو دسته ی دیگر را که قرابت بر بوده به صورت زیر بین آنها تقسیم می کنیم :

➤ برای اجداد ابی : مذکر را دو برابر مونث می دهیم.

➤ برای اخوه ی ابوینی و ابی : اگر قرابت بر بودند به نسبت مذکر ، دو برابر مونث
می دهیم.

نکته ی مهم : در این طبقه باید به رد بر بودن زوج ، زوجه و مخصوصاً مادر ، دقت کنیم.

سهم الارث طبقه ی سوم : طبقه ی سوم عبارت است از :

➤ اعمام (عموها) و عمات (عمه ها) و اولاد آنها هرچه پایین تر برود.
➤ احوال (دایی ها) و خالات (خاله ها) و اولاد آنها هرچه پایین تر برود.

می توان طبقه ی سوم را به صورت زیر تجزیه و در سه گروه تقسیم بندی نمود :

(۱) خویشاوندان مادری (احوال) که عبارتند از : دایی ها و خاله ها و فرزندان آنها.

(۲) خویشاوندان پدری (اعمام) که عبارتند از : عمو ها و عمه ها و فرزندان آنها.

(۳) خویشاوندان سببی که عبارتند از : زوج یا زوجه. (چون زوج و زوجه در کنار هر سه طبقه ارث می برند ، پس زوج و زوجه نیز یک گروه را در طبقه ی دوم تشکیل می دهند.)

سهم هر گروه به صورت زیر است :

(۱) خویشاوندان مادری (احوال) : فرض بر هستند و فرض آنها (چه در صورت

انفراد و چه در صورت تعدد) ، همیشه $\frac{1}{3}$ از کل ترکه است.

در جهت احوال ، در صورت اجتماع ابوینی (یا ابی) با اُمی :

➤ سهم اُمی ها در صورت انفراد (یعنی اگر در بین احوال ، یک نفر اُمی باشد) :

$$\frac{1}{6} \text{ از سهم احوال (یعنی } \frac{1}{6} \text{ از } \frac{1}{3} \text{)}$$

➤ سهم اُمی ها در صورت اجتماع (یعنی اگر در بین احوال ، چند نفر اُمی باشد):

$$\frac{1}{3} \text{ از سهم احوال (یعنی } \frac{1}{3} \text{ از } \frac{1}{3} \text{)}$$

و آنگاه ، مابقی را به احوال ابوینی (یا ابی) می دهیم.

نکته : در بین خویشاوندان مادری (احوال) ، دایی ها و خاله ها ، چه ابوینی ، چه ابی

و چه اُمی باشند ، مذکر برابر با مونث می برد.

(۲) خویشاوندان پدری (اعمام) : قرابت بر هستند و مابقی ترکه به قرابت ، متعلق

به آن ها می باشد.

در جهت اعمام ، در صورت اجتماع ابوینی (یا ابی) با اُمی :

➤ سهم اُمی ها در صورت انفراد (یعنی اگر در بین اعمام ، یک نفر اُمی باشد) :

$\frac{1}{6}$ از سهم اعمام.

➤ سهم اُمی ها در صورت اجتماع (یعنی اگر در بین اعمام ، چند نفر اُمی باشد)

: $\frac{1}{3}$ از سهم اعمام.

و آنگاه ، مابقی را به اعمام ابوینی (یا ابی) می دهیم.

نکته : در بین خویشاوندان پدری (اعمام) :

➤ چنانچه عموها و عمه ها ، اُمی باشند : مذکر برابر با مونث می برد.

➤ چنانچه عموها و عمه ها ، ابوینی یا ابی باشند : مذکر دو برابر مونث می

برد.

(۳) خویشاوندان سببی : اگر فرزندی وجود داشت هیچگاه ارث به طبقه ی سوم نمی

رسید. پس ، در این طبقه ، اولادی وجود ندارد و چون اولادی وجود ندارد ، سهم زوج

و زوجه حد اعلی می باشد. یعنی فرض :

➤ زوج : $\frac{1}{2}$ از کل ترکه است.

➤ زوجه : $\frac{1}{4}$ از کل ترکه است.

نکته ی کلی : در طبقه ی سوم ، باید ابتدا سهم الارث خویشاوندان مادری و خویشان

سببی را حساب کرده و آنچه باقی می ماند به عنوان قرابت به خویشان پدری می دهیم.

در تقسیم ارث در طبقه ی سوم ، به صورت طولی (به ترتیب) کارهای زیر را انجام می دهیم :

۱. کلیه ی وراث را به سه گروه تقسیم می کنیم :

- خویشاوندان مادری (احوال) که عبارتند از : دایی ها و خاله ها و فرزندان آنها.
- خویشاوندان پدری (اعمام) که عبارتند از : عمو ها و عمه ها و فرزندان آنها.
- خویشاوندان سببی که عبارتند از : زوج یا زوجه.

۲. فرض بر بودن یا قرابت بر بودن هر کدام از سه گروه مافوق را مشخص می کنیم. در صورت فرض بر بودن ، فرض آنها را مشخص کرده و در صورت قرابت بر بودن ، مقدار باقیمانده را برای آنها حساب می کنیم.

۳. اجتماع کلاله های ابوینی ، ابی و امی ، را در هر سه گروه در نظر گرفته و طبق حالات چهارگانه ی زیر ، عمل می کنیم :

➤ أمی ، ابوینی ، ابی : ابی ارث نمی برد.

➤ امی ، ابوینی : هر دو ارث می برند.

➤ أمی ، ابی : هر دو ارث می برند.

➤ ابوینی ، ابی : ابی ارث نمی برد.

نکته اینکه : در طبقه ی سوم ، اجتماع کلاله های ابوینی ، ابی و امی ، در دو گروه احوال و اعمام وجود دارد.

۴. در صورت وجود خویشاوندان سببی ، فرض آنها را که مشخص کرده بودیم ، به آنها می دهیم.

۵. در گروه احوال ، فرض اُمی ها را از فرض مشخص کرده و به آنها می دهیم و باقیمانده ی از فرض (یک سوم فرض احوال) را ، به ابوینی ها یا ابی ها می دهیم.

۶. در گروه اعمام ، سهم اُمی ها را از مقدار باقیمانده مشخص کرده و به آنها می دهیم و باقیمانده را ، به ابوینی ها یا ابی ها می دهیم.

۷. در گروه احوال :

➤ فرض اُمی ها را بین خودشان ، به نسبت پسر برابر با دختر تقسیم می کنیم.

➤ فرض ابوینی ها یا ابی ها را ، به نسبت پسر برابر با دختر تقسیم می کنیم.

۸. در گروه اعمام :

➤ سهم اُمی ها را بین خودشان ، به نسبت پسر برابر با دختر تقسیم می کنیم.

➤ سهم ابوینی ها یا ابی ها را ، به نسبت پسر دو برابر دختر تقسیم می کنیم.

قائم مقامی (جانشینی اولاد با واسطه) در ارث : قائم مقامی در هر سه طبقه به صورت زیر است :

قائم مقامی در طبقه ی اول (ماده ۹۱۱ ق.م.) : در صورتی که تمام اولادِ متوفی فوت کرده باشند ، اولادِ اولاد (نوه ها) جایگزین و قائم مقام آنان (اولاد) شده و با پدر و مادرِ متوفی ارث می برند. اولادِ اولاد ، هر یک حصه ی پدر یا مادر خود را ، که اولاد متوفی هستند ، می برند.

بنابراین باید توجه داشت که : اگر از متوفی هیچ فرزندی بر جای نمانده باشد ، ترکه بین نوادگان او تقسیم می شود. و اگر حتی یکی از فرزندانِ متوفی ، زنده باشد و دیگران همه ، قبل از متوفی مرده باشند ، و نوادگان آنها بر جای مانده باشند ، نوادگان ارث نمی برند و ارث به فرزند متوفی می رسد.

شرایط قائم مقامی نوادگان : برای تحقق قائم مقامیِ نوادگان ، شرایط زیر لازم است :

(۱) مرگ اولاد (نسل با واسطه) پیش از نوادگان (قائم مقام) : برای اینکه نوادگان به قائم مقامی از اولادِ متوفی ، از جد خویش ارث ببرند ، باید اولادِ متوفی پیش از او ، مرده باشند وگرنه هرگاه برای مثال ، فرزند بعد از مرگ پدر بمیرد ، نوادگان با واسطه از جد خویش ارث می برند یعنی ، سهم الارث پدر خود را از جد به ارث می برند ولی این شیوه ، ارث بردن به قائم مقامی محسوب نمی شود.

(۲) فقدان اولاد دیگر : باید از درجه ی نسلی که بی واسطه به متوفی می رسد ، کسی زنده نباشد. به بیان دیگر ، هرگاه یکی از اولاد کسی پیش از خودش بمیرد و از او نوادگانی بر جای بماند ولی یکی دیگر از اولادِ متوفی زنده باشد ، نوه های آن ولدی که فوت کرده است ، ارث نمی برند و قائم مقامی نواده ها محقق نمی شود.

(۳) اقرب بودن قائم مقام به متوفی : بین نوادگان ، قاعده ی اقربیت به میت اجرا می شود و در بین اولاد ، اقرب به میت ، ابعده را از ارث محروم می کند. بنابراین ، هرگاه فرزندی پیش از پدر خود بمیرد و از او دختر ، پسر و فرزندان از دختر و پسر بر جای بماند ، دختر و پسر از جد به قائم مقامی از پدر خویش ارث می برند و با وجود آنها ، فرزندانشان ارث نمی برند.

شیوه ی ارث بری نوادگان در قائم مقامی :

➤ هر نسل حصه ی کسی را می برد که به واسطه ی او به میت متصل است. یعنی ، نوادگان پسری ، حصه ای را می برند که در صورت حیات پدرشان ، به پدرشان می رسید و نوادگان دختری هم حصه ای را می برند که در صورت حیات مادرشان ، به مادرشان می رسید.

➤ در تقسیم بین نوادگان (چه نوادگان پسری باشند و چه نوادگان دختری) هر پسر دو برابر هر دختر می برد. یعنی ، هر نوه ای که پسر باشد نسبت به خواهر خود ، دو برابر می برد.

نکته : ابویین و اولاد در دو دسته ی متفاوت قرار دارند. در نتیجه درجه ی نزدیکتر یک دسته ، حاجب درجه ی دورتر دسته ی دیگر نمی باشد. به همین دلیل ، ابویین حاجب اولاد اولاد نمی شود.

قائم مقامی اخوه (ماده ۹۲۵ ق.م.) : در صورت فوت تمام خواهران و برادران